

جایگاه روایات امام صادق (ع) در تفاسیر عرفانی کامل

رضا طباطبایی عمید^۱

قدرت‌الله خیاطیان^۲، عظیم حمزئیان^۳

دریافت: ۱۳۹۹/۵/۱۲، پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۱۹، صفحه ۳۰۵ تا ۳۲۴ (مقاله پژوهشی)

چکیده

از جمله شخصیت‌هایی که روایت اقوالش را در تفاسیر مختلف شیعیان و عامه مسلمانان می‌توان بسیار دید، امام جعفر صادق (ع) است. عالمان شیعی به طبع با نظر به جایگاه آن امام و حجم بسیار روایاتش آراء او را در کتب تفسیری خود بسیار بازنموده‌اند. با این حال، روایت اقوال تفسیری امام صادق (ع) اختصاصی به مفسران شیعی ندارد. از میان مفسران عامه بیش از همه گرایندگان به تصوف و پدید آورندگان تفاسیر عرفانی به نقل روایات این امام گرایش نشان داده‌اند. از جمله، ابوعبدالرحمان سلمی (د ۴۱۲ق) در تفسیر خود شمار قابل توجهی از روایات تفسیری امام صادق (ع) را جای داده است. تا کنون تفاوت این تفاسیر از حیث میزان استناد به اقوال امام کاویده نشده است. از همین رو، با مطالعه کنونی می‌خواهیم بدانیم در تفاسیر عرفانی به چه میزان به روایات امام صادق (ع) توجه شده، رویکرد مفسران گراینده به عرفان به این روایات چه گونه بوده، و چنین توجهاتی از چه زمان آغاز شده، و در گذر زمان چه فرازوفرودهایی داشته است. از میان تفاسیر عرفانی تنها به بررسی تفاسیر کامل می‌پردازیم؛ تفاسیری که همه سوره‌های قرآن را دربر می‌گیرند.

کلیدواژه‌ها: تأویل، ابوعبدالرحمان سلمی، تصوف، تشیع، عرفان.

۱. دانشجوی دوره دکتری عرفان و تصوف، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران. reza.tabatabaee@semnan.ac.ir

۲. دانشیار گروه ادیان و عرفان، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران (نویسنده مسئول). khayatian@semnan.ac.ir

۳. دانشیار گروه الهیات، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران. ahamzeian@semnan.ac.ir

درآمد

حدیث یکی از مهم‌ترین منابع تفسیر قرآن کریم به‌شمار می‌رود. با این حال، رویکرد مفسران به آن در دوره‌های مختلف متفاوت بوده است. اگر شماری اندک از مفسران را در طول تاریخ استثناء بدانیم که در تفاسیر خود کم‌تر به روایات توجه نشان داده‌اند (نک: محب‌پور و همکاران، ۱۳۹۸ش، ۱۳۱)، غالب مفسران قرآن به اقوال پیامبر اکرم (ص)، اهل بیت (ع)، و صحابه و تابعین توجه نشان داده‌اند. البته، درک ایشان از جایگاه روایات و نوع کاربردهای آن در تفسیر قرآن متفاوت است. این‌گونه، برخی از اخباریان آثار بزرگان دین را تنها منبع تفسیر و فهم آیات، گروهی آن را مهم‌ترین منبع، و دسته‌ای نیز در جایگاه دومین منبع پس از قرآن کریم در نظر گرفته‌اند.

از جمله شخصیت‌های برجسته در میان اهل بیت (ع) که آراء تفسیری او را به‌گسترده‌گی در تفاسیر مختلف می‌توان یافت، امام صادق (ع) است (برای مطالعاتی در این باره، نک: اویسی، ۱۳۹۱ش، سراسر اثر؛ نوری، ۱۳۹۱ش، ۶۱-۷۴؛ شرعیاتی، ۱۳۹۳ش، ۸۱-۱۰۵). تفسیری در دست نیست که امام صادق (ع) آن را به دست خویش نوشته باشد. با این حال، در حدود سده‌های ۴ق در میان صوفیان خراسان تفسیری بر بخش‌هایی از قرآن رواج داشت که به امام جعفر صادق (ع) منتسب بود و ابو‌عبدالرحمن سلمی (۳۳۰-۴۱۲ق) در ۲۳۵ موضع از تفسیر خود *حقائق التفسیر* از آن بهره جست؛ هرچند البته این گفتارها را چنان‌که مرسوم او در نقل از غالب مفسران بود، بدون ذکر اسناد آورد.

پس از آن‌که لویی ماسینیون^۱ (۱۸۸۳-۱۹۶۲م) تفسیر سلمی را به جامعه علمی بازشناساند، محقق فرانسوی پل نویا^۲ (۱۹۲۵-۱۹۸۰م) برای نخستین بار مجموعه اقوال تفسیری امام صادق (ع) در این کتاب را در سال ۱۹۶۸م/۱۳۴۷ش استخراج و مستقلاً منتشر کرد.^۳

اقوال تفسیری امام صادق (ع) در منابع کهن‌تری هم‌چون تفسیر قمی، تفسیر عیاشی، تفسیر طبری و جز آن‌ها نیز دیده می‌شود. هنوز مطالعه‌ای برای مشخص کردن ارتباط میان روایات این

1. Louis Massignon

1. Paul Nwyia

3. Nwyia, Paul (1968), "Le Interpretation mystique attribue a Gafar Sadiq," *Melanges del' Universite St. Joseph*, vol. 43, no. 4.

تفاسیر از امام صادق (ع) با منبعی که ابو عبدالرحمان سلمی از آن بهره جست، صورت نگرفته است. باین حال، برخی معاصران معتقد اند نسخه‌ای که در دسترس ابو عبدالرحمان سلمی بوده، مجموعه‌ای از روایات تفسیری امام صادق (ع) به روایت از امام هادی (ع) را دربر می‌گرفته است (نک: انصاری، ۱۳۸۶ش، سراسر اثر).

طرح مسئله

پل نوپا پس از گردآوری و انتشار اقوال تفسیری امام صادق (ع)، در اثر دیگر خویش تفسیر *قرآنی و زبان عرفانی*^۱ (۱۹۷۰م/ ۱۳۴۹ش) نیز فصلی را به امام جعفر صادق (ع) اختصاص داد. نوپا در آن جا درباره نقش امام در ایجاد، گسترش و توسعه تفسیر عرفانی بحث نمود. اساسی‌ترین موضوعی که در سرتاسر این کتاب ذهن نوپا را به خود مشغول می‌داشت، تجربه‌های عرفانی، تأویل متن مقدس برپایه این تجربه‌ها، و شیوه بیان این تأویلات در قالب زبان بود. وی امام صادق (ع) را نخستین مفسری یافت که *قرآن* را با تجربه درونی خود بازخوانده و تفسیر نموده است؛ تجربه‌ای که در آن لفظ و استعاره با هم ترکیب می‌شوند. نوپا معتقد شد بعدها بسیاری از صوفیان در شکل‌دهی به ساختار تجربه عرفانی خود از همین تجربه معنوی امام بهره جستند. افزون بر این، وی معتقد شد صوفیان در تمیزی که میان مراحل مختلف سلوک درونی قائل شده‌اند، سخت متأثر از امام صادق (ع) اند (نوپا، ۱۳۷۳ش، ۱۳۰-۱۵۶).

ارزیابی مدعیات نوپا و دست‌یابی به شناختی دقیق از جایگاه امام صادق (ع) در تفاسیر صوفیه موضوعی محتاج تأمل بیش‌تر است. یک راه برای سنجش جایگاه امام در سنت تفسیری صوفیان همین است که با مرور آثار تفسیری مختلف با گرایش‌های عرفانی - صوفی، توجهات به اقوال امام صادق (ع) را در مد نظر قرار دهیم. مطالعه کنونی با همین هدف صورت گرفته است.

در این مطالعه می‌خواهیم بدانیم در تفاسیر عرفانی به چه میزان به روایات امام صادق (ع) توجه شده است، اهمیت این روایات نزد عرفای مفسر چه بوده است، و تا چه حد این روایات با

1. Nwyia, Paul (1970), *Exegese Coranique et Langage Mystique; Nouvel Essai sur le Lexique Technique des Mystiques Musulmans*, Beyruth, Dar el -Machreq.

روایات منسوب به امام در *حقائق التفسیر سلمی* مطابقت دارد. بدین منظور، از میان تفاسیری که با گرایش عرفانی - صوفیانه پدید آمده‌اند، صرفاً تفاسیر کامل قرآن را بازمی‌کاویم.

۱. تفاسیر صوفیانه پیش از ابن عربی

شماری از تفاسیر صوفیانه کامل از حدود سده ۳-۶ق شکل گرفته‌اند؛ دورانی که هنوز اصطلاحات صوفیه در حال شکل‌گیری بودند و صوفیانه در کنار تألیف آثار در حوزه‌های مختلف، پایه‌های تفسیر اشاری قرآن را نیز بنا می‌نهادند. با مرور تفاسیر صوفیانه این دوره احساس می‌شود رفته‌رفته توجه به روایات تفسیری امام صادق (ع) رو به فزونی نهاده است.

الف) تفسیر تستری

از نخستین تفاسیر قرآن که رویکرد عرفانی در آن غلبه دارد می‌توان *تفسیر سهل بن عبدالله تستری* (د ۲۸۷ق) را یاد کرد. این تفسیر، همه آیات قرآن را دربر نمی‌گیرد و مؤلف به صورت گزینشی به آیات پرداخته است. به نظر می‌رسد تستری در مقام پاسخ به پرسش‌های قرآنی و درخواست فهم آیات قرآنی به تفسیر آیات پرداخته است (نک: نوری، ۱۳۹۵ش، ۱۰۴). رویکرد این تفسیر عرفانی است. باین‌حال، آیات متعددی در این تفسیر می‌توان یافت که مؤلف در شرح‌شان صرفاً به ذکر روایات پرداخته، یا به توضیح لغوی اکتفا نموده است. پیوند این قبیل آیات با رویکرد عرفانی مؤلف آشکار نیست.

به هر روی، تستری در بحث از غالب آیات به ذکر روایات یا مواعظی از بزرگان دین با صبغه عرفانی می‌پردازد (همان، ۱۰۵). تستری همواره از یک روش تستری در بیان تأویل آیات بهره نمی‌جوید و همه تأویلات او هم از یک جنس نیست. گاه پس از شرح و تفسیر ظاهر به بیان معنای باطن می‌پردازد و گاه به توضیح معنای ظاهر اکتفا می‌کند (همان، ۱۰۶-۱۰۷).

تفسیر تستری مبتنی بر آثار است و در آن سخنان فراوانی از بزرگان دین در کنار احادیث نبوی و اقوال منتسب به خداوند (که بعدها حدیث قدسی نامیده شدند) جای گرفته است. در سراسر اثر هیچ روایتی به امام صادق (ع) منتسب نگردیده است. باین‌حال، عبارتی در تفسیر بسمله از قول خود سهل بیان شده که در دیگر تفاسیر گاه به عیسی (ع) و گاه ضحاک بن مزاحم (د ۱۰۲ق) منتسب شده، و سخنی شبیه به آن در تفسیر سلمی هم از قول امام صادق (ع) روایت شده است.

تستری در تفسیر بسمله می‌گوید: «الباء بهاء الله عز وجل، و السین سناء الله عز وجل، و المیم مجد الله عز وجل» (تستری، ۱۴۲۳ق، ۲۲؛ برای انتساب این سخن به عیسی (ع)، نک: طبری، بی تا، ۱/ ۱۲۱؛ نیز برای انتساب آن به ضحاک، نک: ابن ابی حاتم، ۱۴۱۷ق، ۶/ ۲۰۳۳). ابوعبدالرحمان سلمی هم از قول امام صادق (ع) نقل کرده است: «عن جعفر بن محمد علیه السلام قال: بسم الباء بقاؤه والسین أسماؤه والمیم ملکه... الباء بهاء والسین سناؤه والمیم مجده» (سلمی، ۱۴۲۱ق، ۱/ ۲۶).

ب) لطائف الاشارات قشیری

از دیگر تفاسیر مهم با رویکرد صوفیانه، *لطائف الاشارات* عبدالکریم بن هوازن قشیری (۳۷۶-۴۶۵ق) است. وی داماد ابوعلی حسین بن علی دقاق (د ۴۰۵ق) از بزرگان متصوفه، و در حدیث، فقه، ادبیات و تفسیر شاگرد او بود. قشیری خود بیان می‌دارد که کتابش حاوی پاره‌ای از اشارات قرآنی و لطائف عرفانی به زبان اهل طریقت است و به جهت بیم از ملال و افسردگی خوانندگان موجز می‌نویسد (قشیری، بی تا، ۱/ ۴۱).

به نظر می‌آید نام *لطائف الاشارات* الهام گرفته از روایتی از امام جعفر صادق (ع) است که در دیباجة *حقائق التفسیر* سلمی دیده می‌شود: «کتاب خدا بر چهار رکن است: عبارات، اشارات، لطائف و حقائق». عنوان *لطائف الاشارات* بیانگر روش تفسیری قشیری در فهم حقائق قرآن با محوریت اشارت به جای عبارت است. می‌توان از مقدمه قشیری استنباط کرد که وی خواسته است بی آن که در معانی ظاهری واژگان قرآن متوقف شود، با بهره‌گیری از جنبه‌های پنهانی و تودرتوی الفاظ به ژرفای معنا راه جوید (قاسم‌پور، ۱۳۹۲ش، ۲۱۸). او از هر فرصتی مثل حروف مقطعه، آیات الاحکام، شأن نزول، معانی لغوی، صرف و نحو آیات و... برای بیان لطائف و دقائق عرفانی استفاده کرده، و در بحث از همه آنها ترتیب ملکات باطنی انسان - نفس، قلب، روح و سر - را از ابتدا تا انتها مراعات نموده است (شمع‌ریزی، ۱۳۸۶ش، ۷۶).

در *لطائف الاشارات* نقل روایات و آثار اندک است. اگر مؤلف در موردی روایتی از پیامبر (ص) نقل می‌کند، به‌ندرت نام راوی را می‌آورد. شیوه او در نقل اقوال صوفیان نیز همین است و جوده و احتمالات معنای اشاری آیات را به نقل از صوفیان با عبارات «قیل» یا «یُقال» می‌آورد. قشیری گاه در بیان شأن نزول آیات هم اقوالی را بیان می‌کند. مستند وی در بیان احادیث اغلب

صاح سته است. او هم به تصوف هم به تسنن بسیار متعصب است (نک: قاسم‌پور، ۱۳۹۲ش، ۲۲۰).

از مجموع حدود ۲۷۰۰ روایت و قول موجود در این تفسیر، در ۴۶ جا به اقوالی استناد شده است که می‌توان در روایات منسوب به امام صادق (ع) در تفسیر ابوعبدالرحمان سلمی بازدید. از میان این‌همه، وی تنها در یک مورد به تصریح بیان می‌دارد که روایت را از امام صادق (ع) نقل می‌کند و در بقیه موارد گفتار وی منبع مشخصی ندارد. نقل وی از امام صادق (ع) به عبارت «مَسْنَى الضُّرِّ» از آیه ۸۳ سوره انبیاء مربوط است: «قال جعفر الصادق (ع): حبس عنه الوحي أربعين يوماً؛ فقال: مسنى الضر لما لحقه من الضعف بقيام الطاعة فاستجاب إليه بأن ردّ عليه قوته ليقوم بحق الطاعة» (قشیری، بی‌تا، ۲/ ۵۱۷؛ قس: سلمی، ۱۳۸۸ش، ۱/ ۴۹).

در بقیه موارد هیچ نامی از امام صادق (ع) نمی‌برد؛ هم‌چنان‌که از دیگر صوفیان نامی نمی‌برد. نکته قابل تأمل این است که قشیری بسیاری از این گفتارها را هم‌چون سخن خود نقل می‌کند و در غالب موارد هیچ نشانه‌ای حاکی از آن که این اقوال از دیگران است برجای نمی‌گذارد. مقایسه عباراتی از تفسیر وی با آنچه در تفسیر سلمی از قول امام صادق (ع) نقل شده گویا است:

يَعْدَبُ مَنْ يَشَاءُ وَ يَرْحَمُ مَنْ يَشَاءُ وَ إِلَيْهِ تُقْلَبُونَ [عنكبوت/ ۲۱]: يَعْدَبُ مَنْ يَشَاءُ بِتَفْرِقَةِ الْهَمِّ وَ يَرْحَمُ مَنْ يَشَاءُ بِجَمْعِ الْهَمِّ (قشیری، بی‌تا، ۳/ ۹۴).

قال جعفر: يعذب من يشاء بشتات الهم و يرحم من يشاء بجمعها له (سلمی، ۱۳۸۸ش، ۱/ ۴۹). البته، در مواردی هم آن‌ها را پس از عبارات «يقال» می‌آورد و همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، این روش قشیری در بیان اقوال صوفیان و عارفان است:

لَوْ أَظْلَعْتُ عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتُ مِنْهُمْ فِرَاراً وَ لَمَلَيْتُ مِنْهُمْ رُغْباً [كهف/ ۴۰]: «و يقال لو اظلمت عليهم من حيث أنت لوليت منهم فرارا (قشیری، بی‌تا، ۲/ ۳۸۶).

قال جعفر: لو اظلمت عليهم من حيث انت لوليت منهم فرارا و لو اظلمت عليهم من حيث الحق لشاهدت فيهم معاني الوجدانية و الرباتية (سلمی، ۱۳۸۸ش، ۱/ ۴۰).

پ) کشف الاسرار میبیدی

کشف الاسرار نوشته رشیدالدین ابوالفضل میبیدی (د ۵۳۰ق) است. میبیدی حدود ۴۰۰۰۰ حدیث در تفسیر خود ذکر می‌کند و شیوه تحمل حدیث وی نشان از تسلط بالای او در علم حدیث دارد (مولایی‌نیا، ۱۳۹۱ش، ۲۷-۲۸). میبیدی در جایگاه عالمی از اهل سنت و جماعت فراوان از

فضائل اهل بیت (ع) و روایات ایشان یاد می‌کند (همان، ۲۸). میبیدی در مسائل عقیدتی با تأویل مخالف، و پیرو تفکر اصحاب حدیث است (قاسم‌پور، ۱۳۹۱ش، ۲۵۰). نگاه میبیدی به امام صادق (ع) هم‌چون یک پیشوای مذهبی در کسوت پیر طریقت است.

میبیدی ۴۸ روایت از امام صادق (ع) را در ذیل تفاسیر آیات آورده است. از این میان، یک مورد گزارشی تاریخی، یک مورد شأن نزول، و ۴۶ مورد نیز اقوال تفسیری منقول از امام صادق (ع) را دربر می‌گیرند. از این میان، ۱۹ روایت همان است که سلمی از امام صادق (ع) نقل می‌کند. تفسیر: لا إِلَهَ إِلَّا هُوَ (آل عمران / ۱۸) اول این کلمه شهادت است و آخر آیت همان کلمت، یعنی که اول بجای دعوی و شهادتست و آخر بجای حکم- جعفر ابن محمد ع گفت: اول وصف و توحید است و آخر رسم و تعلیم (میبیدی، ۱۳۷۱ش، ۵۱ / ۲).

شأن نزول: عن جعفر بن محمد (ع) قال: دخل رسول الله (ص) على فاطمة عليها السلام و عليها كساء من ثلثة الإبل و هي تطحن بیدها و ترضع ولدها فدمعت عينا رسول الله (ص) لَمَا ابصرها. فقال: «يا بنيتاه تعجلى مرارة الدنيا بحلاوة الآخرة فقد انزل الله عليّ: وَ لَسَوْفَ يَعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى (همان، ۵۲۴ / ۱۰).

داستان‌ها: و در این قصه تزویج بنات آدم مر پسران وی را، هیچ کس از علما خلاف نکرد مگر جعفر صادق (ع) که گفت: معاذالله که آدم دختر خود به پسر خود داد، که اگر این روا بودی و آدم کردی مصطفی (ص) همان کردی، و روا داشتی، که دین هر دو یکسان بود. اما ربّ العزّة جل جلاله چون خواست که نسل آدم در پیوندد .. (همان، ۹۴ / ۳).

ب) عرائس البیان روزبهان بقلی

تعداد ۲۸۶ روایت تفسیری از امام صادق (ع) در تفسیر *عرائس البیان* روزبهان بقلی شیرازی (۵۲۲-۶۰۶ق) ذکر شده است. اکثر آنها همان است که در *حقائق التفسیر سلمی* دیده می‌شود. باین حال، شماری از این موارد نیز روایاتی است که نه در اثر سلمی نه در دیگر کتب متقدم از آن می‌توان ردی بازجست. برای نمونه، وی نقل می‌کند:

قال جعفر الصادق (ع): أنزل القرآن على سبعة أنواع: على التعريف، و التكليف، و التعطيف، و التشريف، و التأليف، و التخويف، و التكميف، ثم نزل أمرا و نهيا، و وعدا و وعيدا، و رخصا و تأسيسا، و تمحيصا، ثم نزل داعيا، و راعيا، و شاهدا، و حافظا، و شافيا، و دافعا، و نافعا (روزبهان بقلی، ۲۰۰۸م، ۱۴ / ۱؛ برای انتساب جمله نخست این روایت به امام صادق (ع)، نک: ابوالشیخ اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۳ / ۲۲۹؛ ابونعیم اصفهانی، ۱۴۱۰ق، ۱ / ۲۵۶).

روزبهان امام صادق (ع) را آغازگر تأویل باطنی *قرآن* می‌داند. وی در بیان علت تألیف تفسیر

عرائس البیان و در توضیح این که قرآن دارای بطون مختلف و وجوه متعدد است، هشت روایت را ذکر می‌کند که یکی از آنها منقول از پیامبر (ص) است، دو روایت از علی (ع)، و سه دیگر متعلق به امام صادق (ع). روزبهان بقلی پس از ذکر هشتمین روایت می‌گوید:

و صتفت فی حقائق القرآن کتاباً موجزاً مخففاً لا إطالة فيه و لا إملال، و ذکرته ما سنج لی من حقیقة القرآن، و لطائف البیان، و إشارة الزحمن فی القرآن بألفاظ لطیفه، و عبارة شریفه، و ربما ذکرته تفسیر آیه لم یفسرها المشایخ، ثم أردفت بعد قولی أقوال مشایخی مما عبارتها أطف، و إشارتها أطرف ببرکاتهم، و ترکت کثیراً منها؛ لیکون کتابی أخفّ محملاً، و أحسن تفصیلاً، و استخرت الله تعالی فی ذلك، و استعنت به؛ لیکون موافقاً لمراده، و مواظباً لسنة رسوله صلی الله علیه و سلم و أصحابه و أولیاء أمته، و هو حسبی و حسب کل ضعیف، و سمیتها بعرائس البیان فی حقائق القرآن (روزبهان بقلی، ۲۰۰۸م، ۱/ ۱۴-۱۵).

اصطلاحات کلیدی حقیقت، اشارت، لطائف و عبارت که در این نقل قول آمده، برگرفته از حدیثی از امام صادق (ع) است که خود وی در آغاز اثر نقل می‌کند: «وقال جعفر بن محمد: کتاب الله علی أربعة أشياء: العبارة والإشارة واللطائف والحقائق؛ فالعبارة للعوام، والإشارة للخواص، و اللطائف للأولیاء، و الحقائق للأنبیاء» (همان، ۱۳).

۲. سده هفتم تا دوازدهم

سراسر سده ۷-۱۲ق را می‌توان دوران ظهور ابن عربی و سیطره تفکر وحدت وجود بر تفاسیر عرفانی نامید. به نظر می‌رسد که در این دوران توجه به روایات تفسیری امام صادق (ع) در مجموع کاهشی محسوس پیدا می‌کند.

الف) تأویلات عبدالرزاق کاشانی

از جمله تفاسیر عرفانی این دوره تأویلات عبدالرزاق کاشانی (د ۷۳۶ق) است. این تفسیر با رویکردی رمزی و اشاری بر طریقت اهل تصوف و عرفان تألیف شده است. مؤلف در آن مدعی است بنا دارد میان ظاهر و باطن جمع کند؛ اما در عمل این اتفاق نیفتاده، و اثری مغلق و پیچیده پدید آمده است (نک: معرفت، ۱۳۹۱ش، ۲/ ۹۸۸).

عبدالرزاق کاشانی در عرفان نظری مروّج مکتب ابن عربی، و در طریقت پیرو طریقه سهروردیه بوده، و پس از صدرالدین قونوی مهم‌ترین تقریر را از مکتب ابن عربی ارائه کرده است (نک: زرین کوب، ۱۳۸۹ش، ۱۲۷). تأویلات وی تفسیر همه سور و آیات است. در عین حال، آیات

زیادی از سوره‌های مختلف تفسیر نشده‌اند. مفسر خود نیز تأکید می‌کند که برای پرهیز از تکرار، آیاتی را که به تأویل نیاز ندارند ذکر نکرده است (نک: قاسم‌پور، ۱۳۸۳ ش، ۱۷).
در این تفسیر احادیث و آثار در جایگاه ادلة اثبات مقصود مفسر به کار رفته است. مؤلف در میان این روایات و آثار، هفت روایت هم از امام صادق (ع) نقل می‌کند. این نقل‌قول‌ها با عباراتی تجلیل‌آمیز همراه شده‌اند؛ عباراتی هم‌چون: الإمام المحق السابِق جعفر بن محمد الصادق علیه‌السلام، جعفر الصادق علیه‌السلام، الإمام جعفر الصادق (ع) رضی‌الله عنه، و صادق علیه‌السلام (برای نمونه، نک: کاشانی، ۱۴۲۲ق، ۱/ ۲۴۱).

ب) المحيط الاعظم حیدر آملی

سید حیدر آملی (۷۲۰ - پس از ۷۹۴ق) فقیه، متکلم شیعی گراینده به حکمت و عرفان است. آملی خود در وصف تفسیرش می‌گوید که در نظر داشته است کتابی جامع تأویل و تفسیر برای صاحب‌دلان پدید آورد؛ آن‌چنان‌که هم تأویلات آن وفق مشرب ارباب توحید و اهل حقیقت باشد و هم در ظاهر آن مخالفتی با سیره اهل بیت (ع) مشاهده نشود. مؤلف روایتی را نقل می‌کند که به پیامبر (ص) منتسب شده است: «الشريعة أقالی، و الطریقة أفعالی، و الحقیقة أحوالی» (برای این روایت، نک: ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ق، ۴/ ۱۲۴). او با استناد به این روایت می‌گوید که بنا داشته است این تفسیرش جامع شریعت، طریقت و حقیقت باشد؛ چون هر کتابی جامع جمیع این مراتب سه‌گانه گردد، مجمع «مراتب محمدیه» و بنابراین، جامع مراتب کونیه و الهیه، و حاوی مجموع کمالات منسوب به جمیع انبیاء و اولیاء خواهد بود... (آملی، ۱۴۲۲ق، ۱/ ۱۹۵). او این کتاب را الهامی الهی و فیضی ربّانی می‌داند (همان، ۱۹۷).

آملی اولین مفسر شیعی است که با رویکردی عرفانی به متون حدیثی پرداخته، و این حرکت بر تألیفات پس از او تأثیر بسزایی داشته است. از جمله ویژگی‌های این تفسیر، استناد فراوان به آیات و روایات اهل بیت (ع) است (کوهی و نفیسی، ۱۳۹۴ ش، ۱۸۶). با این حال، وی در مواردی نیز گفتارهایی را بدون استناد به اهل بیت (ع) نقل می‌کند؛ گفتارهایی که در آثار دیگر از جمله سخنان ائمه شیعه (ع) شناسانده شده‌اند. گاهی هم سبب اصلی درج نکردن منبع سخن آن بوده که روایتی چند را به هم آمیخته، و مضمون‌شان را به عبارت خویش نقل کرده است (همان، ۲۰۸-۲۰۹). افزون بر این، او در دیگر موارد نقل از بزرگان دین هم بر ذکر اسناد روایت و نقل حدیث مطابق با شیوه

محدثان اصراری ندارد.

آملی گاه روایاتی را نیز به دیگر بزرگان دین از جمله پیامبر اکرم (ص) نسبت می‌دهد که در منابع کهن شیعی همان‌ها به نقل از امام صادق (ع) آورده شده‌اند. برای نمونه، یک جا بدون آن‌که مشخص کند از کدامین امام نقل قول می‌کند می‌آورد: «و لهذا قال علیه‌السلام فی موضع آخر: من عرف الله کلّ لسانه» (آملی، ۱۴۲۲ق، ۴/۱۹۸). عین همین عبارت را می‌توان در *مشکاة الانوار* — تألیف عالم معاصر وی طبرسی — به نقل از امام صادق (ع) دید: «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) مَنْ عَرَفَ اللَّهَ كُلَّ لِسَانُهُ» (طبرسی، ۱۳۸۵ق، ۱۷۶).

شماری از روایات نیز که وی به نقل از پیامبر اکرم (ص) یاد می‌کند، همان‌ها ست که در منابع شیعی متقدم‌تر به وساطت امام صادق (ع) به پیامبر (ص) منتسب شده‌اند. برای نمونه، آملی نقل می‌کند که «قال النبی (ص): أفسوا السلام و أطمعوا الطعام و صلوا الأرحام» (آملی، ۱۴۲۲ق، ۲/۵۰۰). این گفتار عیناً همانی است که در جوامع حدیثی کهن شیعه به نقل از امام صادق (ع) آورده شده است: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)، قَالَ: جَمَعَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ فَقَالَ يَا بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ أَفْسُوا السَّلَامَ وَصَلُوا الْأَرْحَامَ وَتَهَجَّدُوا وَالنَّاسُ نِيَامٌ، وَاطْعَمُوا الطَّعَامَ وَاطْيَبُوا الْكَلَامَ؛ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ بِسَلَامٍ (برقی، ۱۳۷۱ق، ۲/۳۸۷؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲/۶۴۵).

هرگاه این قبیل موارد را نیز در شمار نقل‌قول‌های آملی از امام صادق (ع) در نظر گیریم، باید بگوییم وی جمعاً در تفسیر خویش از ۸۳ روایت امام (ع) در ۸۸ موضع استفاده نموده است. از این شمار، وی در ۲۳ مورد به نقل خود از امام صادق (ع) تصریح می‌کند و در بقیه موارد نامی از ایشان نمی‌برد.

پ) مواهب علیّه کاشفی

تفسیر دیگر در همین دوره *مواهب علیّه* نوشته حسین بن علی کاشفی سبزواری (د ۹۱۰ق) است. این تفسیر به نام *تفسیر حسینی* یا *تفسیر ملا* نیز شناخته می‌شود. مؤلف در این اثر به‌ندرت بحث‌های لغوی، ادبی، فقهی و کلامی را مطرح می‌کند. در عوض، ترجمه‌ای روان از آیات قرآن را با توضیحی موجز به فارسی ساده بازمی‌نماید. او تفسیر خود را با عباراتی برگرفته از دیگر آثار تفسیری و نظم و نثر اهل طریقت به هم آمیخته، و نوشته‌ای متناسب فهم عموم بازنموده است (سندس، ۱۳۹۰ش، ۳۹).

کاشفی در *مواهب* — همانند *کشف الاسرار* میبیدی — مقبولات عموم را با مضامین صوفیانه تلفیق، اما آن دو را به روشنی از هم تفکیک می‌کند. وی علاوه بر نقل بسیاری از منابع میبیدی، به سخنان مشایخ صوفیه همچون ابن عربی (د ۶۳۸ق)، عبدالرزاق کاشانی (د ۷۳۰ق)، صدرالدین قونوی (د ۶۷۳ق) و شیوخ فرقه‌های کبرویه و نقشبندیّه توجه نشان می‌دهد. او همچنین از اشعار فارسی خواجه عبدالله انصاری (د ۴۸۱ق)، سنایی غزنوی (د ۵۲۵ق)، عطار نیشابوری (د ۶۲۷ق)، مولوی (د ۶۷۲ق) و عبدالرحمان جامی (د ۸۷۱ق) — برادر همسرش — ابیاتی نقل می‌کند (همان، ۴۰). مؤلف در سراسر تفسیر خویش با احترام به شخصیت‌های شیعه و سنی اشاره می‌کند و از ورود به مباحث تفرقه‌انگیزی می‌پرهیزد (همان، ۴۶).

کاشفی در تفسیر خود نه مرتبه روایات امام صادق (ع) را ذکر کرده است. شش روایت از نه روایت مذکور برگرفته از *حقائق التفسیر سلمی*، و بقیه از دیگر منابع است. کاشفی غالباً با کاربست تعبیری هم‌چون ترضیه یا ترحیم نسبت به امام حرمت می‌گذارد. برای نمونه از شیوه بیان وی می‌توان به تفسیر او در ذیل آیه ۱۷ سوره انفال اشاره کرد:

بلاءً حسناً؛ عطائی نیکو؛ که آن نصرت است و غنیمت. در *حقائق سلمی* از امام جعفر صادق رضی الله عنه نقل می‌کند که بلای حسن آن است که ایشان را از نفوس ایشان فانی گرداند و بعد از فنای به هویت خودشان باقی سازد (کاشفی، ۱۳۶۹ش، ۳۷۹).

ت) الفواتح الالهية نخجوانی

الفواتح الالهية نوشته نعمت‌الله بن محمود نخجوانی (د ۹۲۰ق) هم از تفاسیر عرفانی همین دوره است. غلبه رویکرد اشاری سبب شده است آن را گاه نمونه بارز یک تفسیر صوفیانه بشناسانند (امامی مرعشی، ۱۳۸۴ش، ۶۲). مؤلف که اصلی‌ترین دغدغه نظری و عملی خود را معرفت توحید الهی از خلال بحث در آیات مختلف می‌شناساند، در آغاز هر سوره، مباحثی مرتبط با توحید مطرح می‌کند. مؤلف در صدد ارائه بیانی تخصصی برای مخاطبان اهل علم با کاربرد اصطلاحات پیچیده نیست؛ می‌خواهد با لحنی ادبی و عرفانی عواطف اشخاص را آماده برقراری ارتباط با قرآن کند.

ارائه راهبردهای عملی برای سالکان از دیگر ویژگی‌های این تفسیر است (امامی مرعشی، ۱۳۸۴ش، ۶۲). مؤلف به ترتیب سوره مصحف نیز نظر دارد و می‌کوشد با نظر به این ترتیب، طریق

هدایت را برای سالکان تبیین کند (همان، ۶۳). در *الفواتح الالهیه* در کل تعداد روایات کم است. مؤلف بیش تر از روایات قدسی و نبوی استفاده می‌جوید. هیچ روایتی در این اثر نمی‌توان جست که مؤلف از امام صادق (ع) نقل کند یا در اثر دیگری به آن امام انتساب یافته باشد.

۳. سده دوازدهم تا چهاردهم

آخرین دسته از تفاسیر مرتبط به بحث نیز، تفاسیر صوفیانه سده ۱۳-۱۴ق را دربر می‌گیرد؛ آثاری که در زمانی نزدیک به دوران معاصر پدید آمده‌اند و کمابیش از فضای حاکم بر جهان اسلام در عصرهای متأخر متأثر بوده‌اند.

الف) روح البیان اسماعیل حقی بروسوی

یک اثر مهم از میان این تفاسیر، *روح البیان* اسماعیل حقی بروسوی (د ۱۱۳۸ق)، فقیه حنفی اشعری مسلک و شاعر مشهور ترک‌زبان است. او از گرایندگان به طریقه خلوتیه به‌شمار می‌رود و گفته شده است که از بیست‌سالگی به تفسیر آیات پرداخت (عبداللهی، ۱۳۸۹ش، ۱۴۶-۱۴۷). تفسیر وی صیغه فقهی و کلامی ندارد و یک‌سر به تأویلات صوفیانه می‌پردازد. وی در همین کوشش به اقوال صحابه، تابعان و مفسران پیشین توجه دارد و اغلب از روایات نبوی و اقوال امامان شیعه (ع) نیز درک‌هایی از جنس تأویل بازمی‌نماید.

بروسوی در مجموع، ۵۰ روایت از امام صادق (ع) آورده، و در اغلب موارد یادکرد امام هم‌چون یک پیشوای برجسته و مقبول از نگاه اهل سنت و جماعت است. گاه از امام صادق (ع) با تعبیر «امام» یاد می‌کند، گاه وی را به لقب «صادق» می‌خواند، و گاه نیز با ترضیه و ترحیم و اوصاف مشابه از امام تجلیل می‌کند. حتی در برخی موارد افزون بر تعبیر «رضی الله عنه» عبارت «علیه السلام» را نیز می‌افزاید (نک: بروسوی، بی‌تا، ۶/ ۲۳۲). تنها شمار اندکی از این روایات را می‌توان در *حقائق النفسیر* سلمی بازجست.

ب) البحر المدید ابن عجیبه

تفسیر عرفانی دیگر *البحر المدید* است که احمد بن محمد بن محمد بن عجبیه حسنی (۱۱۶۰-۱۲۲۴ق) صوفی اشعری‌مذهب و فقیه مالکی مراکشی آن را نوشته است. *البحر المدید* بزرگ‌ترین و مشهورترین کتاب او است (سیحی، ۱۴۲۹ق، ۱۵۹). ابن عجبیه در تفسیر خود بین تفسیر ظاهری و

اشارات باطنی جمع کرده است. او در این کتاب، مباحثی مثل اسباب نزول، لغت و اعراب، قرائات مختلف، آیات الاحکام و معنی آیات را بیان می‌دارد. سیحی مدعی است که تفسیر وی در میان گرایندگان به تصوف در سده‌های اخیر محبوبیت ویژه‌ای کسب کرده است (نک: همان، ۱۶۱).

ابن عجبیه به روایات نبوی و اقوال صحابه و تابعین توجه ویژه‌ای نشان می‌دهد. مهم‌ترین منبع روایات *الجامع الصغیر* سیوطی است. بدین سان، افزون بر روایاتی که در صحاح سته ذکر شده و در *جامع* سیوطی نیز بازتاب یافته، روایات کتب صوفیانه‌ای هم چون *احیاء علوم الدین* غزالی نیز که در اثر سیوطی درج شده‌اند به کتاب او راه یافته‌اند. غالب این روایات همان‌ها ست که عالمان حدیث منتقدانه به آن‌ها نگرسته‌اند. وی در کنار توجه به روایات، به اقوال صحابه و تابعین هم نظر دارد و از میان این اقوال، به روایات ابن عباس و علی (ع) توجه ویژه نشان می‌دهد. او درباره علی (ع) معتقد است که از ورای پوششی نازک به غیب می‌نگرد و حتی ابن عباس نیز هر چه از تفسیر می‌داند از او آموخته است (نک: همان، ۱۷۵-۱۷۶).

ابن عجبیه در این تفسیر در ۲۷ موضع جمعاً از ۲۵ روایت امام صادق (ع) بهره می‌جوید. این روایات همگی به طبع صبغة باطنی دارند (برای نمونه، نک: ابن عجبیه، ۱۴۱۹ق، ۳/۳۷۵). از میان این ۲۲ روایت، تنها ۵ مورد آن برگرفته از *حقائق التفسیر* سلمی است.

پ) بیان السعادة جنابذی

اثر مهم دیگر با رویکرد عرفانی بیان السعادة تألیف سلطان‌علی‌شاه گنابادی (۱۲۵۱-۱۳۲۷ق) است. گنابادی در این تفسیر نخست نام، شمار آیات، محل نزول، و ثواب تلاوت سوره را بیان می‌کند. آن‌گاه به بحث از قرائت، اعراب، و لغت می‌پردازد و احتمالات مختلف را در معنای آیه برپایه اختلاف مبانی در این امور شرح می‌دهد. آن‌گاه به نقل روایات از امامان شیعه (ع) می‌پردازد و در پایان به تحلیل‌های عرفانی و فلسفی عطف نظر می‌کند (نک: خیاطیان، ۱۳۹۵ش، ۱۳۳-۱۳۴).

گنابادی آگاهی از روایات تفسیری را دومین دانش لازم برای تفسیر می‌داند. افزون بر این، گنابادی معتقد است مقام اهل بیت (ع) مقام مشیت — یعنی بالاترین مرتبه بطن و حقیقت قرآن — است و همه علم قرآن را باید نزد ایشان جست (محب‌پور، ۱۳۹۸ش، ۱۳۲). از همین رو، در قیاس با دیگر تفاسیر صوفیانه بیش‌ترین حجم روایات تفسیری را در این اثر می‌توان یافت. او از روایات

برای آشنایی با سبب نزول، معنای ظاهری و معنای باطنی آیه، یا مصادیق آن بهره می‌جوید (همان، ۱۳۳).

وی به روایات امام صادق (ع) نیز به نحو گسترده‌ای نظر داشته است. از مجموع ۲۲۰۰ روایت موجود در این تفسیر (همان، ۱۳۳)، ۵۱۶ حدیث یعنی تقریباً ۲۴ درصد از روایات اثر متعلق به امام صادق (ع) است. شمار اندکی از این روایات را می‌توان در *حقائق التفسیر ابو عبدالرحمان سلمی* بازجست. می‌توان این روایات را در هفت گروه عمده دسته‌بندی کرد: ۲۷۴ روایت در شرح معنای کلمه یا عبارت و رفع ابهام یا ذکر تأویل و توضیح معنای باطنی (برای تنها یک نمونه، نک: گنابادی، ۴۰۸ق، ۱/ ۱۴۵)، ۱۰۷ روایت در تطبیق مصداق آیه با اهل بیت (ع) یا دوستان و دشمنان ایشان (مثلاً نک: همان، ۱/ ۱۶)، ۵۹ روایت درباره آیات الاحکام و مسائل فقهی (مثلاً نک: همان، ۱/ ۱۴۴)، ۳۷ روایت در شرح داستان‌ها و اخبار گذشتگان و آیندگان (مثلاً نک: همان، ۲/ ۳۳۷)، ۲۱ مورد شأن نزول (مثلاً نک: همان، ۲/ ۱۴۲)، ۱۶ مورد در توضیح فضیلت قرائت سوره‌ها (مثلاً نک: همان، ۱/ ۲۳)، و تنها ۲ مورد نیز در توضیح آیات ناسخ و منسوخ (مثلاً نک: همان، ۱/ ۱۳۲).

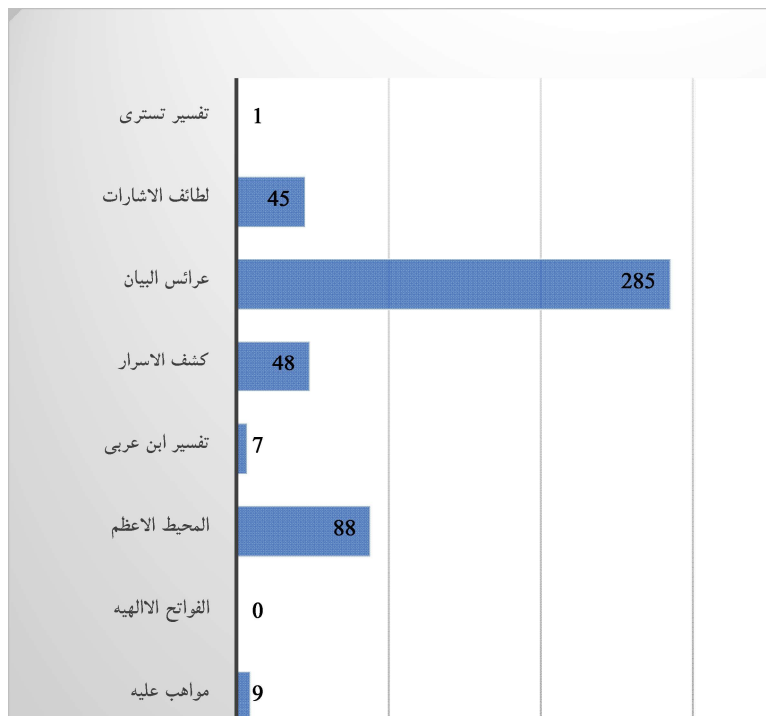
ت) مخزن‌العرفان در تفسیر قرآن (سده ۱۴)

در مرحله‌ای بعد از بیان *السعادة* بیش‌ترین روایات امام صادق (ع) را در تفسیر *مخزن‌العرفان* بانو نصرت‌بیگم امین اصفهانی (د ۱۴۰۳ق / ۱۳۶۲ش) مشاهده می‌کنیم. وی در انگیزه تألیف این تفسیر گفته که می‌خواسته است تفسیری مختصر برپایه روایات اهل بیت (ع) تألیف کند (امین، ۱۳۶۱ش، ۱/ ۲). بانو امین اصفهانی گرچه هرگز به صوفیه منتسب نبوده، گرایش عرفانی آشکاری دارد که در تفسیر آیات مختلف قابل مشاهده است.

بانو امین اصفهانی ۳۱۲ روایت از حدود ۲۰۰۰ روایت موجود در کتاب خویش یعنی در حدود ۱۶ درصد از کل روایات را به امام صادق (ع) اختصاص داده است؛ ۱۶۶ مورد در تفسیر آیات (مثلاً نک: امین، ۱۳۶۱ش، ۱/ ۲۷)، ۴۲ روایت در توضیح آیات الاحکام (مثلاً نک: همان، ۲/ ۲۰۵)، ۳۸ مورد در تطبیق مصداق آیات (مثلاً نک: همان، ۱/ ۵۴)، ۳۰ روایت در شرح داستان‌های قرآن و اخبار آینده (مثلاً نک: همان، ۵/ ۱۸۶)، ۲۸ مورد درباره فضیلت قرائت سوره‌ها (مثلاً نک: همان، ۱۵/ ۲۳۱)، ۷ مورد روایات شأن نزول (مثلاً نک: همان، ۱/ ۱۱۸)، و ۱ مورد نیز درباره ناسخ و منسوخ (همان، ۴/ ۳۵). شمار معدودی از این روایات را می‌توان در *حقائق التفسیر سلمی* بازجست.

۴. بررسی و تحلیل یافته‌ها

اکنون وقت آن رسیده است که با مرور نتایج حاصل از این مطالعه تصویر واضح‌تری از جایگاه امام صادق (ع) در تفاسیر عرفانی کامل پیدا کنیم. نمودار زیر یافته‌های آماری این مطالعه را نشان می‌دهد.



الف) روایات پربسامد

شش روایت از امام صادق (ع) را می‌توان یافت که در غالب تفاسیر عرفانی یادشده تکرار شده‌اند: نخست، روایت اشمال قرآن بر عبارت و اشارت و لطائف و حقائق، و این که عبارت از آن عوام، اشارت از آن خواص، لطائف از آن اولیاء و حقائق از آن انبیاء است (نک: روزبهان بقلی، ۲۰۰۸م، ۱۳/۱؛ بروسوی، بی تا، ۵/۲۰۱؛ گنابادی، ۱۴۰۸ق، ۱/۱۳؛ امین، ۱۳۶۱ش، ۲/۲۹)؛ دوم، روایتی درباره‌ی این که امام صادق (ع) را در حال صرع دیدند و چون سببش پرسیدند گفت آیه‌ای را چنان در نماز تکرار کرده که آن را از قائل اصلی‌اش خداوند شنیده است (نک: آملی، ۱۴۲۲ق،

۲ / ۳۴۰؛ کاشانی، ۱۴۲۲ق، ۱ / ۲۴۱؛ کاشفی، ۱۳۶۹ش، ۱۱۷۱؛ بروسوی، بی تا، ۹ / ۱۳۷؛ ابن عجیبه، ۱۴۱۹ق، ۱ / ۷۲؛ گنابادی، ۱۴۰۸ق، ۱ / ۱۱؛ سوم، روایت سخن امام درباره این که خدا در قرآن متجلی شده است و مردمان غافل اند (آملی، ۱۴۲۲ق، ۱ / ۲۰۷؛ کاشانی، ۱۴۲۲ق، ۱ / ۲۴۱؛ ابن عجیبه، ۱۴۱۹ق، ۴ / ۴۷۴؛ گنابادی، ۱۴۰۸ق، ۱ / ۱۵؛ چهارم، روایت سخن امام که اولین مخلوق نور پیامبر (ص)، و اولین چیزی که نگارش آن بر قلم تقدیر جاری شد، کلمه توحید بود (روزبهان بقلی، ۲۰۰۸م، ۳ / ۲۸۴؛ ابن عجیبه، ۱۴۱۹ق، ۵ / ۲۷۴؛ بروسوی، بی تا، ۸ / ۳۹۶)؛ پنجم، روایت تفسیر امام از بسمله که باء به بهاء خدا اشاره دارد... (تستری، ۱۴۲۳ق، ۲۲؛ میبیدی، ۱۳۷۱ش، ۱ / ۲۶؛ گنابادی، ۱۴۰۸ق، ۱ / ۲۸؛ امین، ۱۳۶۱ش، ۱ / ۲۸)؛ و ششم، سخن امام صادق (ع) درباره فاصله میان پایه‌های عرش خدا (میبیدی، ۱۳۷۱ش، ۸ / ۴۵۲؛ آملی، ۱۴۲۲ق، ۲ / ۲۵۳؛ ابن عجیبه، ۱۴۱۹ق، ۵ / ۱۱۴). افزون بر این، روایات متعددی می‌توان یافت که در شمار کم‌تری از تفاسیر تکرار شده‌اند. موضوع غالب این روایات‌ها تفسیر باطنی آیات است.

ب) تحلیل نتایج

چنان‌که در مرور تاریخی منابع مشاهده شد، روایات امام صادق (ع) در دوره شکل‌گیری تفاسیر صوفیانه به تدریج مورد توجه جدی صوفیان واقع شده‌اند؛ توجهی که در اوائل سده ۷ق و در *عرائس البیان* روزبهان بقلی به اوج خود می‌رسد. با این حال، در دوران غلبه تفکر ابن عربی و شکل‌گیری عرفان نظری این توجه در کل کاهش محسوسی پیدا می‌کند. بار دیگر، در دوران متأخر توجه به روایات امام صادق (ع) فزونی می‌گیرد. خاصه در سده ۱۴ق با ورود فقیه‌های شیعی گراینده به عرفان استفاده از روایات امام صادق (ع) افزایش چشم‌گیری پیدا می‌کند و موضع کاربردها نیز تنوع می‌یابد. شیعیان گراینده به تصوف شاید از آن رو که می‌باید التزام خود را به احکام شرع نشان دهند، حجم قابل توجهی از تفسیر خود را به بحث درباره اموری اختصاص می‌دهند که در تفاسیر صوفیانه پیشین جایگاه ویژه‌ای نداشته است؛ مباحثی مثل ناسخ و منسوخ و آیات الاحکام و از آن دست.

تفسیرهای عرفانی را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: آنان که روایت منسوب به امام (ع) در *حقائق التفسیر* ابو عبدالرحمان سلمی تنها مرجع یا اصلی‌ترین مرجع آنها بوده است؛ مثل *لطائف الاشارات* قشیری و *عرائس البیان* روزبهان بقلی؛ و گروه دوم، تفاسیری که از منابع مختلفی

برای بیان روایات بهره برده‌اند و شمار روایات منقول از ابو عبدالرحمان سلمی در آنها معنادار نیست. به هر حال، با مرور هر دو سنخ از این تفاسیر می‌توان دریافت که تأویلات امام صادق (ع) و برخی اقوال ایشان بنیادی نظری برای تصوف پدید آورده است؛ چنان‌که مثلاً یکی از مهم‌ترین ادلّه جواز تفسیر اشاری در غالب تفاسیر عرفانی همان روایت پیش‌گفته از امام صادق (ع) است که از اشتمال قرآن بر عبارت و اشارت و لطائف و حقائق می‌گوید. دیدیم حتی نام تفسیر *لطائف الاشارات* قشیری که یکی از مهم‌ترین منابع تفسیر صوفیانه است و مؤلفش نیز یک عامی‌مذهب اشعری مسلک است، برگرفته از همین سخن امام صادق (ع) است.

نتیجه

در این مطالعه دیدیم در بیش‌تر تفاسیر عرفانی روایات امام صادق (ع) به‌کاربرده شده است و این روایات در بیش‌تر آنها، نقش مهم و محوری دارند. برای نمونه از روایاتی با چنین جایگاه محوری، می‌توان به روایت امام صادق (ع) دربارهٔ اقسام معانی در قرآن اشاره کرد که تقریباً در تمامی تفاسیر عرفانی جزو ادلّه اصلی جواز تفسیر اشاری است. چنان‌که دیدیم، در دوران شکل‌گیری پایه‌های تصوف در سدهٔ ۳-۶ق، به‌تدریج میزان توجهات به روایات امام صادق (ع) فزونی می‌پذیرد و با نگارش *عرائس المجالس* به اوج خود می‌رسد. آن‌گاه در عصر رواج عرفان نظری ابن عربی، این توجه کاستی محسوسی می‌پذیرد؛ تا این که از سدهٔ ۱۴ق به بعد و با گسترش گرایش عالمان شیعی به تفسیر اشاری، دوباره توجه به روایات امام صادق (ع) در تفاسیر گراینده به عرفان و تصوف رو به فزونی می‌نهد.

منابع

— علاوه بر قرآن کریم؛

- ۱- آملی، حیدر (۱۴۲۲ق)، *المحیط الاعظم*، به کوشش محسن موسوی تبریزی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۲- ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین (۱۴۰۵ق)، *غوالی اللئالی*، به کوشش مجتبی عراقی، قم، انتشارات سیدالشهداء (ع).
- ۳- ابن ابی حاتم، عبدالرحمان بن محمد (۱۴۱۷ق)، *تفسیر القرآن العظیم*، به کوشش اصعد محمد طیب، ریاض، مکتبه مصطفی نزار الباز.
- ۴- ابن عجبیه، احمد بن محمد (۱۴۱۹ق)، *البحر المدید*، به کوشش احمد عبدالله قرشی، قاهره، نشر الدكتور حسن عباس زکی.
- ۵- ابوالشیخ اصفهانی، عبدالله بن محمد (۱۴۱۲ق)، *طبقات المحدثین باصبهان*، به کوشش عبدالغفور عبدالحق حسین بلوشی، بیروت، مؤسسة الرسالة.
- ۶- ابوعبدالرحمان سلمی، محمد بن حسین (۱۳۸۸ش)، *تفسیر جعفر الصادق (ع)*، ضمن مجموعه آثار ابوعبدالرحمان سلمی، جلد اول، به کوشش نصرالله پورجوادی، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه.
- ۷- _____ (۱۴۲۱ق) *حقائق التفسیر*، به کوشش سید عمران، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ۸- ابونعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله (۱۴۱۰ق)، *تاریخ اصبهان*، به کوشش سید کسروی حسن، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۹- امامی مرعشی، علی اصغر (۱۳۸۴ش)، «بازخوانی تفسیر الفواتح الالهیه و المفاتح الغیبیه»، *کتاب های اسلامی*، شماره ۲۲-۲۳.
- ۱۰- امین اصفهانی، نصرت بیگم (۱۳۶۱ش)، *مخزن العرفان*، تهران، نهضت زنان مسلمان.
- ۱۱- انصاری، حسن (۱۳۸۶ش)، «تفسیر امام صادق (ع) به روایت امام هادی (ع) در سنت صوفیان و تفسیر نعمانی»، پایگاه اینترنتی کاتبان، دسترسی در مردادماه ۱۳۹۹ش.

- ۱۲- اویسی، کامران و مؤدب، رضا (۱۳۹۱ش)، «گونه‌شناسی و روش‌شناسی روایات تفسیری امام صادق (ع)»، پژوهش‌نامه قرآن و حدیث، شماره ۱۰.
- ۱۳- برقی، احمد بن محمد (۱۳۷۱ق)، *المحاسن*، به کوشش جلال‌الدین محدث، تهران، اسلامیه.
- ۱۴- بروسوی، اسماعیل حقی (بی‌تا)، *روح البیان*، بیروت، دارالفکر.
- ۱۵- تستری، سهل بن عبدالله (۱۴۲۳ق)، *التفسیر*، به کوشش محمد باسل عیون سود، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۱۶- خیاطیان، قدرت‌الله و خادمی، سمیه (۱۳۹۵ش)، «روش‌شناسی تفسیر عرفانی بیان السعادة فی مقامات العبادة»، *مطالعات قرآنی*، شماره ۲۶.
- ۱۷- روزبهان بقلی (۲۰۰۸م)، *عرائس البیان*، به کوشش احمد فرید، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۱۸- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۹ش)، *دنباله جستجو در تصوف ایران*، تهران، امیرکبیر.
- ۱۹- سندس، کریستین زهرا و دیگران (۱۳۹۰ش)، «علل شهرت *مواهب علیه کاشفی*»، *آیین* پژوهش، شماره ۱۲۸، خرداد و تیر.
- ۲۰- سیحی، جواد (۱۴۲۹ق)، «المنهج التفسیری لابن عجبیه: دراسة و نقد»، *المنهاج*، شماره ۴۸.
- ۲۱- شرعیاتی، فاطمه و ایازی، محمدعلی (۱۳۹۳ش)، «جایگاه امام صادق (ع) در تفسیر قرآن با توجه به روایات تفسیری ایشان»، *علوم حدیث*، شماره ۷۱.
- ۲۲- شمع‌ریزی، محمد (۱۳۸۶ش)، «تفسیر لطائف الاشارات و ویژگی‌های آن»، *مطالعات اسلامی*، شماره ۷۶.
- ۲۳- طبری، محمد بن جریر (بی‌تا)، *جامع البیان*، مکه، دار التریبیه.
- ۲۴- طبرسی، علی بن حسن (۱۳۸۵ق)، *مشکاه الأنوار*، نجف، المكتبة الحیدریه.
- ۲۵- عبداللهی عابد، صمد (۱۳۹۸ش)، «بررسی تفسیر *روح البیان* و روش مفسر در نگارش آن»، *مطالعات تفسیری*، شماره ۳.
- ۲۶- قاسم‌پور، محسن (۱۳۸۳ش)، «*تأویلات عبدالرزاق کاشانی*: بررسی تحلیلی و نقد کتاب پیر لوری»، *کتاب ماه دین*، شماره ۸۲.
- ۲۷- _____ (۱۳۹۲ش)، *جریان‌شناسی تفسیر عرفانی قرآن*، تهران، سخن.
- ۲۸- قشیری، عبدالکریم بن هوازن (بی‌تا)، *لطائف الاشارات*، قاهره، هیئة المصریه العامة للکتاب.

- ۲۹- کاشانی، عبدالرزاق (بی تا)، *التأویلات*، به کوشش سمیر مصطفی رباب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۳۰- کاشفی، حسین بن علی (۱۳۶۹ش)، *مواهب علیّه*، به کوشش محمدرضا جلالی نایینی، تهران، انتشارات اقبال.
- ۳۱- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیه.
- ۳۲- کوهی، عادلّه، و نفیسی، شادی (۱۳۹۴ش)، «جایگاه و کارکرد حدیث در تفسیر آملی»، *حدیث پژوهی*، شماره ۱۳.
- ۳۳- گنابادی، محمد (۱۴۰۸ق)، *بیان السّعادة*، بیروت، اعلمی.
- ۳۴- محب پور حقیقی، زهرا و دیگران (۱۳۹۸ش)، «جایگاه و کارکرد حدیث در بیان السّعادة»، *تحقیقات علوم قرآن و حدیث*، شماره ۴۲.
- ۳۵- معرفت، محمدهادی (۱۳۹۱ش)، *التفسیر والمفسرون فی ثوبه القشیب*، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- ۳۶- مولایی نیا، عزت الله، و دیگران (۱۳۹۱ش)، «امام صادق (ع) در تفسیر کشف الاسرار»، *بینات*، شماره ۷۶.
- ۳۷- میبدی، ابوالفضل (۱۳۷۱ش)، *کشف الاسرار*، به کوشش علی اصغر حکمت، تهران، امیرکبیر.
- ۳۸- نخجوانی، نعمه الله بن محمود (۱۹۹۹م)، *الفواتح الالهیه*، قاهره، دار رکابی للنشر.
- ۳۹- نوری، ابراهیم، و آل یمین، حامد (۱۳۹۵ش)، «بررسی تأویل عرفانی تفسیر تستری»، *پژوهش های فلسفی کلامی*، شماره ۶۷.
- ۴۰- نوری، اعظم (۱۳۹۱ش)، «روایات امام صادق (ع) در تفسیر *المحرر الوجیز*»، *بینات*، شماره ۷۶.
- ۴۱- نویا، پل (۱۳۷۳ش)، *تفسیر قرآن و زبان عرفانی*، ترجمه اسماعیل سعادت، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.